آیا این بار فروشگاه‌های دست دوم فروشی تعطیل می‌شوند؟

برند پوشان تاناکورا پسند

ترانه بنی یعقوب
گزارش نویس

بحث بین زن و مرد بدجوری بالا گرفته، همه بحث درباره درز پاره پشت لباس است که با دقت دوخته و روفو شده. اما مرد اصرار دارد این لباس خارجی را بخرد؛ یک هودی خاکستری زنگ کلاه‌دار.

در یک فروشگاه تاناکورا در میدان رسالت تهران هستم. لباسی که مرد انتخاب کرده همان هودی یا بلوز کلاه‌دار است که در خیلی از فروشگاه‌های لباس هم این روزها هست اما اگر فکر می‌کنید این لباس با آن درز پاره پشتش ارزان است، سخت دراشتباهید. این هودی ۴۸۰ هزار تومان قیمت دارد.

از زن اصرار می‌بینی و از مرد انکار:

- ببین بیا برویم همین پاساژ توی میدان هفت حوض عین همین هست ۳۰۰ هزار تومان خودم با چشم خودم دیدم. پشت این لباس قشنگ پاره است. وصله‌اش هم کاملاً پیداست؛ هیچ جوره نمی‌شود پنهانش کرد.

- در عوض یک جنس خارجی خوب می‌خرم؛ این مرگ ندارد. اگر الان هم می‌بینی اینقدر جنس‌های اینجا گران شده، برای این است که همه فهمیده‌اند اینها خارجی است؛ قبلاً کسی خبر نداشت. بیرون لباس به درد بخور پیدا نمی‌شود. همه می‌آیند از اینجا جنس می‌خرند.

مرد کارت می‌کشد و هودی خاکستری رنگ را می‌خرد. زن همچنان چپ چپ نگاهش می‌کند و زیر لب غر می‌زند: «لباس پاره خریده ۴۸۰ هزار تومان تازه خوشحال هم هست من از دست این مرد دیوانه می‌شوم.»

هفته گذشته عضو اتحادیه تولیدکنندگان و فروشندگان پوشاک اعلام کرد، فروش پوشاک تاناکورا به دلیل مسائل بهداشتی و قاچاق بودن این نوع پوشاک، ممنوع است و با این نوع فروشگاه‌ها برخورد می‌شود. مجید افتخاری در گفت‌وگو با ایسنا تأکید کرده بود، فروش پوشاک تاناکورا به طور کلی در کشور ممنوع است و اتحادیه در هر نقطه‌ای با این نوع فروشگاه‌ها برخورد می‌کند و آن را پلمب می‌کند. او همچنین گفته بود پوشاک تاناکورا در کشور طرفدار زیادی ندارد و علت ممنوعیت فروش پوشاک تاناکورا، مسائل بهداشتی و قاچاق بودن این نوع پوشاک است؛ چرا که این لباس‌ها استاندارد ندارد و نظارتی بر وضعیت آنها انجام نمی‌شود و حتی ممکن است منجر به آسیب جسمانی شود.

البته به گفته رئیس اتحادیه پوشاک ایران ممکن است این نوع پوشاک خارجی اهدایی از سوی کشورهای دیگر هم باشد، به طوری که ممکن است پوشاک به یک کشور ثالث اهدا شده باشد، اما پوشاک برند از آنها جدا و فروخته شود.

افتخاری معتقد است تعداد فروشگاه‌های تاناکورای فعال در کشور بسیار کم است و بیشتر این واحدها چندین بار پلمب شده‌اند و حتی تعهد داده‌اند اما دوباره فعالیت خود را آغاز کرده‌اند. با این همه راسته تاناکوراها در شرق تهران حسابی پر از مشتری است و در این فروشگاه‌ها جز لباس، کلی جنس دیگر هم پیدا می‌شود؛ از ادکلن و عینک آفتابی گرفته تا کفش و کتانی و دستمال گردن. فروشگاه‌ها بیشترشان همان بوی آشنای مغازه‌های تاناکورا را دارند. بوی یک ماده خاص و حس نم و خیسی. لباس‌ها نسبت به گذشته تمیزتر و مرتب‌تر چیده شده‌اند و مقابل بیشتر فروشگاه‌ها این تابلو به چشم می‌خورد: «اجناس جدید پنجشنبه‌ها.»

مقابل یکی از این فروشگاه‌ها کلی کتانی توی یک سبد گذاشته‌اند؛ قیمت ۶۸۰ هزار تومان. آقای فروشنده توضیح می‌دهد که برخی از این کتانی‌ها نو هستند و برخی چند باری پا خورده‌اند، اما در حد نوهستند. توی مغازه ویترین کتانی‌ها کامل‌تر هم هست. انواع برندهای مشهور کتانی که معلوم نیست قلابی و کپی شده‌اند یا واقعاً اصلند. یک کتانی قرمز رنگ آدیداس به قیمت یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان برای فروش گذاشته شده. فروشنده توضیح می دهد همین کتانی الان توی فروشگاه اصلی‌اش حداقل هشت تا ۱۰ میلیون تومان قیمت دارد. «این کتانی نمونه (سمپل) است که از فروشگاه اصلی خارج شده. روی قسمت زیر کتانی هم این کلمات به چشم می‌خورد، کتانی برای فروش نیست. بقیه قیمت کتانی‌ها هم در همین حد است و حتی یک جنس ارزان در میان‌شان دیده نمی‌شود.»

قفسه عطر درست روبه‌روی ویترین کتانی‌ها قرار دارد. در میان‌شان معروف‌ترین برندهای عطر دنیا را می‌توانی ببینی. «اینها هم تستر هستند و بهترین عطر را دارند.» قیمت عطرها از ۸۰۰ هزار تومان تا بالای یک میلیون است اما هیچ کدام جعبه ندارند. زنی درحال چانه زدن برای خرید یک عطر برند دیور است که می‌تواند با قیمت یک میلیون خریداری‌اش کند. سعی می‌کند از فروشنده تخفیف بگیرد اما فروشنده کوتاه نمی‌آید و می‌گوید هیچ راهی برای تخفیف وجود ندارد.

در همین حین که در فروشگاه هستم، مرد و زنی با یک پلاستیک بزرگ پر از لباس از راه می‌رسند. می‌گویند لباس‌هایشان برند است و چند سال قبل از اروپا خریده‌اند، اما دیگر خسته شده‌اند

> با خودم فکر می‌کنم خیلی از لباس‌ها، پالتوها و کفش‌هایی که در این فروشگاه‌ها می‌بینم اصلا تناسبی با قیمت‌شان ندارد و در فروشگاه‌های برند ایرانی یا حتی بوتیک‌های معمولی نمونه خیلی شیک‌ترشان پیدا می‌شود. اما گویی خارجی بودن جنس‌ها بیش از هرچیزی برای خریداران این فروشگاه‌ها اهمیت دارد و برخلاف گذشته که مشتریان اصلی این فروشگاه‌ها فقرا بودند، این روزها عاشقان برندهای خارجی مشتریان پر و پا قرص این فروشگاه‌ها هستند

سجاد صفری/ ایران

می‌خواهند بفروشندشان. فروشنده نیم نگاهی به جنس‌ها می‌اندازد: «ما خرید نداریم. جسارت به شما نباشد اما قبلاً خریده‌ایم و جنس دزدی از کار درآمده. ما جنس‌هایمان را کلی می‌خریم.» مشتری که گویی خیلی ناراحت شده کارت ملی‌اش را درمی‌آورد: «آقا من خانه‌ام همین نارمک است، به من می‌گویی دزد؟ این لباس‌ها را نگاه کن! هزار مرتبه از لباس‌های بوگندوی اینجا بهتر است.»

بحث و دعوا بالا می‌گیرد. مرد و زن با گونی که همراه آورده‌اند، مغازه را ترک می‌کنند. فروشنده دوباره شروع می‌کند: «این مردم چرا درک نمی‌کنند بابا لباس کهنه داری ببر مولوی بفروش. من می‌گویم جسارت نباشد باز برایم قاطی می‌کند. فکر می‌کنی چند بار کفش و کتانی و لباس خریده‌ام و بعدش دزدی از آب درآمد! دیگر حاضر نیستم بخرم. همه این راسته را هم که بگردی، کسی حاضر نیست لباس بخرد. آنهایی که می‌خواهند لباس بفروشند، باید بروند مولوی.»

زن جوانی برای خرید عینک آفتابی و پولیور به این فروشگاه آمده. پولیورها ۱۵۰ هزار تومان است. پولیور صورتی رنگی انتخاب کرده که عکس بزرگ عینک رویش دارد و او حالا قصد دارد یک عینک آفتابی را با همان پولیور هماهنگ کند:

- آقا این عینک‌ها را از کدام کشور آورده‌اید؟

- خانم ما جنس‌هایمان را از زاهدان می‌آوریم. جنس زاهدان هم از کشورهای جنوب شرق آسیا می‌آید. اینها برای چین و تایلند و اینهاست. آن جنس‌هایی هم که از مهاباد می‌آید، همه مال اروپاست. اما خیالت راحت هرچی اینجا بخری، رد خور ندارد.

دختر جوان یک عینک آفتابی بزرگ با قیمت ۳۰۰ هزار تومان انتخاب می‌کند. به فروشگاه دیگری می‌روم. زن و مرد جوانی بچه به بغل وارد می‌شوند و یکراست می‌روند سراغ قسمت لباس‌های بچگانه. تقریباً هیچ لباسی مناسب سایز بچه دو ساله‌شان پیدا نمی‌شود:

من همیشه از این فروشگاه‌ها خرید می‌کردم اما الان نه قیمت‌ها را باور می‌کنم، نه جنس‌ها را. یک ساعت است می‌گردم یک لباس مناسب برای بچه‌ام پیدا نمی‌کنم.

- نمی‌ترسی بچه‌ات مشکل پوستی چیزی پیدا کند؟

زن ابروهایش را بالا می‌اندازد: «وا برای چی؟ می‌برم لباس‌ها را حسابی می‌شورم از نو هم نوتر می‌شود. اما الان قیمت‌ها مسأله است.» مرد فروشنده میان صحبت‌مان می‌آید: «خانم چه انتظاری داری، آن موقع یک بار لباس برای ما دو تا سه میلیون درمی‌آمد الان بیست و دو، سه میلیون درمی‌آید. می‌خواهی همان قیمت سابق بخری؟ الان دلار چند است؟ خیلی ناراحتی برو همان جنس‌های ایرانی که بازار را پر کرده بخر.» زن می‌گوید: «نخواستم ایرانی بخرم که آمدم اینجا. حالا لباس‌های بچه هیچی آن پالتو که ۹۵۰ هزار تومان است چند می‌دهی؟»

زن به پالتوی طوسی رنگ راه راهی اشاره می‌کند که مقابل در آویزان است. پالتو مومو است و حسابی گل و گشاد. زن با علاقه زیاد به پالتو زل زده. رو به من می‌گوید: «خدایی قشنگ است. خارجی است.» زن رو به فروشنده اضافه می‌کند:

- راستی شنیده‌ام قرار است تاناکوراها را تعطیل کنند، حالا کی تعطیل می‌شود؟

- نه بابا از این خبرها نیست. ۱۰ سال پیش هم ۱۰ روزی تعطیل کردند، چی شد؟ تازه الان همین راسته هم تاناکوراها بیشتر شده.

در فروشگاه دیگری هستم. زن و مرد جوانی وارد می‌شوند. دنبال شلوار و بلوز می‌گردند. سبد شلوارهای جین را زیر و رو می‌کنند. هر شلوار ۸۵۰ هزار تومان. بیشتر شلوارها لکه و نقطه‌ای رویشان هست یا پاره و پوره هستند. «آقا اینها که همه داغون و کهنه‌اند، ۸۵۰ هزار تومان هم می‌فروشی؟»

مرد به قفسه بالای سرش اشاره می‌کند، جایی که کلی شلوار جین تا سقف چیده شده. هر شلوار یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان:

- اینها نوی نو است، حرف ندارد. از هر کدام از این شلوارها یک دانه وجود دارد.

- ما می‌خواستیم لباس نو بخریم که خودمان بلد بودیم برویم بازار. آمدیم اینجا مثلاً جنس ارزان‌تر بخریم که انگار دیگر ارزانی کیمیا شده.

- کجا جنس ارزان می‌دهند که ما جنس ارزان دست شما بدهیم؟ آمدی لباس درجه یک بخری باید پول درجه یک هم بدهی دیگر.

با خودم فکر می‌کنم خیلی از لباس‌ها، پالتوها و کفش‌هایی که در این فروشگاه‌ها می‌بینم اصلا تناسبی با قیمت‌شان ندارد و در فروشگاه‌های برند ایرانی یا حتی بوتیک‌های معمولی نمونه خیلی خیلی شیک‌ترشان پیدا می‌شود. اما گویی خارجی بودن جنس‌ها بیش از هر چیزی برای خریداران این فروشگاه‌ها اهمیت دارد و برخلاف گذشته که مشتریان اصلی این فروشگاه‌ها فقرا بودند، این روزها عاشقان برندهای خارجی مشتریان پر و پا قرص این فروشگاه‌ها هستند.

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۸۳۲

آسان

	۹		۶		۴		۸	
				۷				
	۴	۵	۸		۹	۶	۱	
۱			۳		۶	۲		۷
		۸			۱			
۳		۶	۲		۱			۹
	۱	۴	۹		۸	۵		
	۳		۱		۲		۶	
			۶		۴		۵	۷

متوسط

۸					۹			۶
	۲		۷	۱				۸
				۸	۳	۴		
		۸				۶		
	۳	۲				۹	۵	
		۶				۷		
		۹	۱	۶				
۶				۴	۵		۷	
۷			۳					۴

سخت

	۳		۱		۶			
		۲	۷			۴		۶
۷				۸		۱		
						۲		۵
۶		۵			۳			
		۹		۳				۱
۲		۸			۵	۳		
			۶		۴		۵	

خیلی سخت

۷	۳		۶					
		۵			۲			
۴	۹				۸			
۱	۷			۸				۳
۶								۹
۳				۷			۸	۶
			۵			۱		
			۳			۹		
				۹		۴	۲	

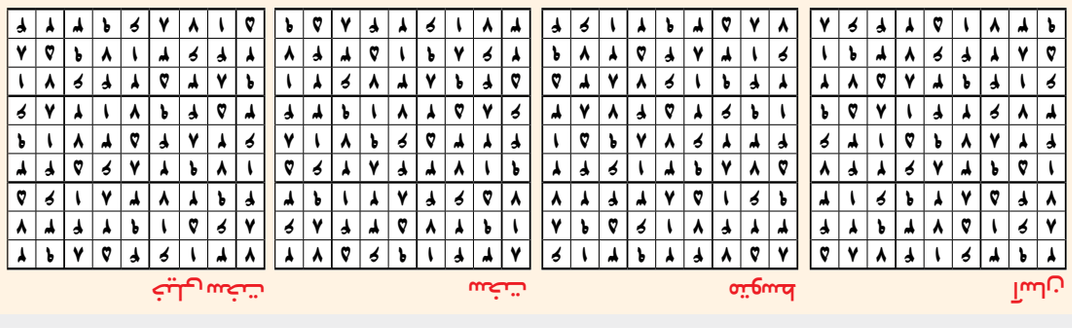

حل جدول سودوکو شماره ۳۸۳۲

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۸۰۱

جدول عادی

افقی:

۱- اسیر یا دچار مشکل- کتاب «ماکسیم گورکی»

۲- فطری و غریزی- ستاره- دگرگون شده

۳- شهری در استان تهران- روایت کننده- پایتخت «لهستان»

۴- سرزمین «دالایی لاما»- یک لحظه- میزان خلوص- اشاره به دور ادبی

۵- صدای تمسخر- از مناصب خطیر کشوری- بنیانگذار این قالب شعر «منوچهری» است

۶- ساز «کریستوفری»- معروف- نه عربی

۷- گلزن «مس رفسنجان» با نام گادوین- بارز- خوراک طیور

۸- روماتیسم مفصلی

۹- بالشتک نان پزی- جمع اجنبی- شیرینی یا خوردنی در تداول اطفال

۱۰- پول کشور آفتاب تابان- نفس می کشد- وزنه ورزشی

۱۱- مداد باریک نویس- موجد استقلال هند- میوه خوب!

۱۲- نمونه نمایشی- وسیله روز مبادا- نفس آدم چاق- ساز شستی دار

۱۳- محبت- وقت تلف کردن- باعقیده واحد

۱۴- حق الشرب- خوراک کفش- تخته نازک

۱۵- غذای لذیذ ایرانی- از مراحل زراعت

عمودی:

۱- معادل فارسی flashback در سینما- ثبات و بقا

۲- زن دیرنشین- امپراطور دیوانه روم- دوراندیش

۳- سستی- همراه «وارو»- چند نابغه

۴- ماه تابستان- سیرکننده- دریا- بخشش

۵- نوعی از پرتقال- ینگه دنیایی- آسیب

۶- برهنه- برکت سفره- محصل تنبل!

۷- واحد سطح- آماده و مجهز- باشگاه خارجی

۸- کشاورزی- لئیم- پرنده‌ای با سر بلوطی رنگ

۹- سرباز نیروی دریایی- نصف قیمت- طلیعه اعداد

۱۰- شرکت ژاپنی موتورساز- پول خردهند- پسوند شباهت

۱۱- رئیس جیمز باند- قانونی بودن- علم غیر اکتسابی

۱۲- گهواره پارچه‌ای- نت مخمور- هنگامی که- بخش بارگیر تریلر

۱۳- پدر طب- سرزمین- نژاد ایرانی

۱۴- نام پسرانه- شایسته، سزاوار- همسنگ

۱۵- چرم پرزدار مخملی- پیمایش و سنجش

جدول ویژه

افقی:

۱- بازیگر سینمای وسترن- برابر ۱۰۲۴ مگابایت

۲- پول خودمان- شوروهیجان- دربه‌در

۳- افسر- ابرمکمل هورمونی بدنسازی- جاندانه

۴- بلاد رنگ- صدای لاستیک پنچر- پارچه‌ای گرانبها- درشت اندام

۵- مقابل «آری»- گندیده- حرکت زیر حرف و علامت آن

۶- بایگانی- ندادهنده- پیچیدن

۷- باتری لاغر!- خوراکی از تخم مرغ- پستاندار عظیم الجثه دریایی

۸- داستان «توماس مان»

۹- شهری در استان همدان- هزار هزار- نرم و نازک

۱۰- دریا- آدم کوچک- منطقه

۱۱- همسطح باهم- حرکتی در ژیمناستیک- شخص

۱۲- حرف ۳۰ الفبا- ازبستگان مادری- بعد از من!- دکمه

۱۳- نشانه بیماری- مدیرعامل سابق بارسلونا- روزنامه پرتغالی

۱۴- جلودار- جایگزین کبریت- مقام ارشد اداره

۱۵- فیلمی با هنرنمایی «جانی دپ» (۲۰۲۰)- مرکز «ایرلند شمالی»

عمودی:

۱- هافبک تیم «لیورپول»- نیکوروی

۲- اختراع «ماروی»- در اصطلاح فقه مقابل جایز است- کفش روسی

۳- نهی کننده- مراجعت کردن- به‌هم خوردگی هوا و وزش بادهای سخت

۴- سرپرست دانش آموز- هواخواه و پیرو- واحد مساحت- گازتنفسی

۵- بازپرس قدیم- کمک رسانی- شگرد خاص کار

۶- اندرون دهان- تلاش- شهر اثر «حمام گرگعلی»

۷- همان بس است- علم مطالعه اصوات- پیدا کرد

۸- بازکردن- ناگهانی- خبرگزاری دانشجویان

۹- سبزتیره- شبیه‌هم- جوال

۱۰- فرایند روکش دهی فلزی- خارج از محوطه بازی- درون دهان

۱۱- بیش طلبی- ایست انگلیسی- دعوا برای خیرات آن نیست

۱۲- آن سوی سقف- طاقچه بالا- بهترین دوست- بارنده سفید

۱۳- یکمین- گرداب هولناک- نقاش اسپانیایی قرن ۱۹

۱۴- زین و برگ اسب- صفحات داخلی روزنامه- خط کش مدرج

۱۵- سوداگر- زمینه کاری اصلی «ژان ژاک روسو»

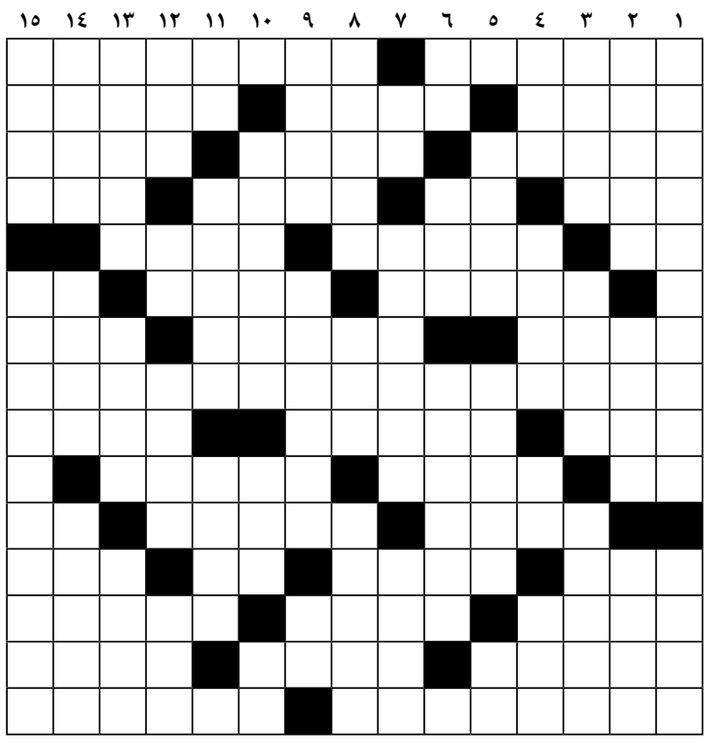

حل جدول عادی شماره ۷۸۰۰

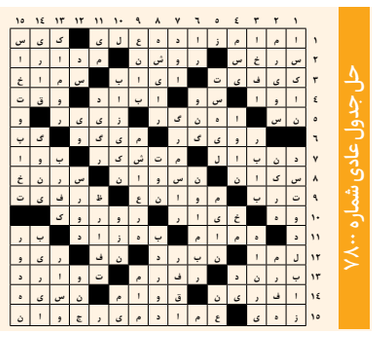

حل جدول ویژه شماره ۷۸۰۰